

الجزایر؛ سرزمین یک میلیون شهید

ع.ر امیردهی

نام گذاری الجزائر

در مصادر و مأخذ تاریخی علت نام گذاری این سرزمین به «الجزائر» به صورت گوناگون آمده است، لیکن گویا همگی تأکید داشته باشند بر این که اسم پایتخت، نام کشور قرار گرفته و آن را «انتوان فیرجیل شیندر» که در زمان استعمارگری فرانسه وزیر جنگ بود، با صدور فرمانی در چهاردهم اکتبر سال ۱۸۳۹ به صورت رسمی به عنوان نام کشور به کار گرفته است.

برخی از مصادر تاریخی می گویند: بلکین بن زیری (بولوگین) مؤسس دولت زیری‌ها، هنگامی که پایتختش را در سال ۹۶۰ بنا نهاد، اسم جزائر بنی مزغنه را بر آن نهاد. و نیز به قولی وجود چهار جزیره کوچک نزدیک شهر، موجب گردید که آن را «جزائر» بنامند گرچه بعداً توسط عثمانی‌ها، مجموعه آن جزائر به صورت قطعه‌ای واحد درآمد است.

در برخی از مصادر قدیمی‌تر، به جغرافیدانان مسلمان (همانند یاقوت حموی و ادریس) نسبت داده می‌شود که آنان، این کشور را تابع بنی مزغنه توصیف نمودند و به همین سبب، «الجزائر» نام گرفت. (ر.ک: معجم البلدان، الجزائر، ص ۴۹۱)

البته برخی از مصادر عرب زبان وجه تسمیه را، به جزیره‌های حیات نسبت می‌دهند که با منطقه حاصل خیزش در برابر صحرای خشک و کویری قرار دارد. علاوه بر آن، گفته می‌شود که غیر از الجزیره، که پایتخت خود این کشور است، پایتخت‌های داخلی دیگری برای برخی از سرزمین‌های ممالک عربی و آمازیغی که در خاک کشور فعلی الجزائر قرار دارد، وجود داشته است. (ر.ک: ویکیپدیا، الموسوعه الحره، الجزائر).

قرار گرفتن الجزایر در شمال آفریقا

شمال آفریقا، مانند شبه جزیره‌ای است که از سرزمین‌های دیگر توسط دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس و از بقیه آفریقا توسط صحرا جدا می‌شود. اعراب این منطقه را «جزیره المغرب» می‌نامند. این منطقه از ۵ کشور مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش تشکیل شده است. قسمت اعظم شمال آفریقا را «صحرای بزرگ» در بر گرفته است. ولی در میان صحرا و دریای مدیترانه قطعه زمین باریکی وجود دارد

که قابل کشاورزی است و اکثریت ساکنان کشورهای این منطقه را در خود جای داده است. قسمت غربی شمال آفریقا را کوههای اطلس که موازی با ساحل هستند در بر می‌گیرد. در قسمت شمال این منطقه کوهی وجود ندارد و زمین‌های ساحلی صاف و مسطح هستند. آب و هوای این منطقه مدیترانه‌ای است اما میزان بارندگی در این منطقه در فصل زمستان کمتر از کشورهای شمال دریای مدیترانه است. به علاوه، تابستان این منطقه نیز طولانی است.

در شمال آفریقا صحرا به تدریج در حال گسترش است و این نواحی هر روز بیشتر به سمت خشکی پیش می‌رود. ۲۰۰۰ سال پیش مردم روم بیشتر مواد غذایی خود را از این منطقه تأمین می‌کردند؛ ولی اکنون بسیاری از سرزمین‌های سبز و حاصلخیز به صحرا مبدل شده است. در قسمت انتهای شرقی منطقه ساحلی شمال آفریقا رود نیل وارد دریای مدیترانه می‌شود. آب رود نیل پس از حرکت از جنوب به سمت شمال با گل و لای زیادی به دریای مدیترانه می‌رسد، بیشتر گل و لای در دریا انباشته می‌شود و این انباشته شدن پس از هزاران سال دلتای خیلی بزرگی را به وجود می‌آورد. مقداری از گل و لای نیز در طول ساحل نیل جایی که خاک بسیار حاصلخیز را تشکیل می‌دهد ته نشین می‌شود به این سبب جمعیت در کنار دلتا و ساحل نیل نسبت به قسمت‌های دیگر این منطقه بیشتر است. الجزایر در شمال آفریقا و در میانه کرانه‌های جنوبی در دریای مدیترانه واقع شده است. (مجیدی، ص ۱ و ۳).

وسعت و مساحت

الجزایر از نظر وسعت و پهناوری نسبت به چند کشوری که در شمال آفریقا واقع گردیده‌اند، دومین کشور بزرگ آفریقا پس از کشور سودان می‌باشد و دهمین کشور بزرگ دنیا است. این کشور در همسایگی تونس، لیبی، نیجر، مالی، موریتانی، مراکش و صحرای غربی قرار دارد.

مساحت الجزایر معادل $2/381/741$ کیلومتر مربع می‌باشد. فاصله شرق به غرب این کشور 2414 کیلومتر و جنوب تا شمال آن 2092 کیلومتر و طول سواحل این کشور با دریای مدیترانه 1104 کیلومتر تخمین زده شده است.

الجزایر از نظر حدود سرحدات دارای 6343 کیلومتر مرز بین‌المللی می‌باشد. این کشور با تونس 965 کیلومتر، لیبی 982 کیلومتر، مراکش 1559 کیلومتر، نیجر 965 کیلومتر، مالی 1376 کیلومتر، موریتانی 463 کیلومتر و با صحرای غربی 42 کیلومتر مرز مشترک دارد.

نواحی اقلیمی الجزایر

کشور الجزایر از نظر اقلیمی به ۳ ناحیه متفاوت تقسیم شده است:

۱. بخش ساحلی؛ که به صورت جلگه باریک و در عین حال حاصلخیز و دارای آب و هوای مدیترانه‌ای و معتدل می‌باشد. این منطقه که حدوداً یک ششم مساحت کل کشور را در بر گرفته است، همانند نواری باریک که از شرق به غرب کشور که در حدود 998 کیلومتر طول دارد، امتداد یافته است.

۲. **فلات مرکزی**؛ این منطقه دارای فلات‌های مرتفع بوده که از نظر آب و هوایی منطقه‌ای نسبتاً خشک و دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم می‌باشد. ارتفاع آنها از سطح دریا تا ۳۵۰۰ پا بین تل اطلس و تل صحرائی قرار گرفته و پوشیده از دریاچه‌ها و مرداب‌های نمک می‌باشد. از نظر جمعیتی حدود یک و نیم میلیون نفر در این مناطق زندگی می‌کنند.

۳. **ناحیه صحرائی**؛ این منطقه بسیار خشک و سوزان و از جمله گرم‌ترین مناطق جهان محسوب می‌شود. مساحت این منطقه در حدود ۲/۱۷۱/۹۹۰ کیلومتر مربع می‌باشد که ۸۶ درصد از کل کشور را در بر گرفته است.

در این منطقه جمعیتی بسیار اندک و به صورت پراکنده زندگی می‌کنند. این قسمت از سرزمین متشکل از صخره‌های سنگی پوشیده از شن می‌باشد، که به فلات‌های سنگی و صخره‌ای موسوم به حمادّه و شنزارهای عرق کبیر غربی و عرق کبیر شرقی می‌باشد.

لازم به ذکر است که الجزایر دارای یک رودخانه طولانی به نام وادی الشلف یا الشلیف می‌باشد. و از رودهای دیگر می‌توان از: «الصومام»، «الرومال»، «المبطوح»، «الهبیره»، «تفنه» و نیز از دو رود «مرزی» و «الایضی» که به سمت جنوب جاری‌اند و به دریاچه‌های نمک می‌ریزند نام برد. از رودهای فصل دیگر نیز می‌توان به رودهای «سومان»، «راحمل»، «حبرا» و «تفنا» اشاره کرد.

جغرافیای انسانی

الجزایر با جمعیتی بیش از ۳۴ میلیون و هشتصد هزار نفر (طبق آمار سال ۲۰۰۸ میلادی)، از نظر وسعت سرزمینی، بزرگترین کشور شمال آفریقا و دومین کشور بزرگ این قاره پس از سودان به حساب می‌آید. از نظر نژادی ۹۹ درصد عرب ۱ درصد اروپایی و از لحاظ مذهبی ۹۹ درصد مسلمان (اکثریت مالکی مذهب) و یک درصد باقیمانده مسیحی و یهودی هستند. پس از نژاد عرب، آمازیگی در ردیف دوم و سپس تعداد اندکی از نژاد هوسا می‌باشند که اصالتاً از نیجر بودند و به این منطقه کوچ کردند.

اقوام و نژادها و روابط آنها

نخستین ساکنان اصلی الجزایر گله‌داران و شکارچیان بعضی از قبایل «بربر» بودند که در ناحیه «الحجر» زندگی می‌کردند. اولین حکومت سلطنتی الجزایر را «ماسینیسا»، رئیس قبیله بربرها در قرن دوم و سوم پیش از میلاد مسیح بنا نهاد. در بعضی نقاط ساحل الجزایر، آفریقای شمالی و شهر «کارتاژ» قدیم که امروزه تانزانیا نامیده می‌شود، اهالی فنیقه ساکن شدند.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت در الجزایر غیر از اعراب شاموی، بربرها هستند که به دو گروه نژادی تقسیم می‌شوند: الف) بربرهایی که هویت عربی یافته‌اند و از اکثریت برخوردارند و از جایگاه خوبی برخوردارند. ب) بربرهای غیرعربی که دارای اقلیت‌اند و از نظر شأن فرهنگی و دست یافتن به تعالی فرهنگی در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند. اینان در مقابل اعراب و فرهنگ و زبان و تمدن عربی

مقاومت‌هایی نشان می‌دادند و بر این مقاومت‌ها مباحثات نیز می‌کردند. لیکن بعضی از آنها طی اعصار و قرون متمادی خودبخود در فرهنگ و زبان دین عربها حل شده‌اند. از جمله مقاومت‌های آنها که تقریباً آنها را موفق نموده است برگزیدن نوعی درون همسری و حفظ نژاد بوده است. در عین حال سعی در پذیرفتن زبان فرانسه برای دهن کجی به اعراب بوده است. بیشتر این قوم و نژاد غیرعرب در میان کوهستان‌ها و بعضی از آنها نیز در صحرای شمالی و مرکزی زندگی می‌کنند.

در الجزایر بربرها و اعراب شاوی از نظر نژادی و ترکیب قومیت از اکثریت که در حدود ۸۰ درصد برآورد گردیده است، برخوردارند. اقوام و نژادها در مناطق مختلف پراکنده‌اند. مثلاً «قبایلی»ها در منطقه «القبائل»، «الشاویه» در کوههای «الاوراس»، «بنی مزاب» در صحرای شمالی و «طوارق» در صحرای مرکزی. در میان این گروه‌ها، قبایلی‌ها با عده‌ای بالغ بر دو میلیون نفر، مهم‌ترین گروه بربرها را تشکیل می‌دهند. اکثریت کارگران الجزایری در فرانسه نیز از این تیره‌اند. «شار الشاویه» یک میلیون، «بنی مزاب» هشتاد هزار و «طوارق» کمتر از ده هزار نفر است.

بربرها، ساکنان اولیه الجزایر بودند که مدتها قبل از فتح شمال آفریقا به دست مسلمانان در این ناحیه زندگی می‌کرده‌اند. بیش از ۳ میلیون نفر از جمعیت الجزایر از نظر اصالت و نژاد بربری هستند که هر یک از آنها وجه تشابهی نیز با دیگری دارد و می‌توان گفت تنها لهجه‌های آنها دارای یک ریشه واحد است. از نظر قوانین نیز آنها تابع دولت الجزایر بوده و سعی دارند در چارچوب نظام اداری آن عمل نموده و نسبت به نظام و سیستم حاکم و همچنین ارتش و نیروی نظامی افرادی وفادار باقی بمانند. (مجیدی، ص ۹).

زبان ملی و رسمی الجزایر

بر اساس ماده ۳ قانون اساسی (بخش دوم، اصول کلی حکومت در جامعه الجزایر) زبان ملی و رسمی این کشور، عربی و آمازیگی است. بیش از ۸۰ درصد مردم این کشور به زبان عربی سخن می‌گویند. مدتی قبل از استقلال یافتن این کشور در اثر هجوم استعمار فرانسه، زبان این مردم دستخوش تحولاتی گردید. از جمله این که زبان فرانسه را به جای زبان عربی به عنوان زبان اداری و تحصیلات عالی و مدرسه‌ای و به اصطلاح روشنفکری و متمدن و مترقی جایگزین گردید و این زبان ملی را به عنوان زبانی که قدرت هم شأنی با تمدن و تعالی را ندارد به کنار زده و سعی در مسخ فرهنگی و زبانی این کشور متمدن اسلامی پرداختند.

اما پس از استقلال، زبان عربی به لحاظ انطباق و اتحاد با اسلام و ناسیونالیسم الجزایری مجدداً رونق یافت، همه جنبش‌های انقلابی الجزایر و نیز حکومت این کشور از استقلال به این سو متعهد بودند که زبان عربی را در تمام شؤون زندگی ملی جانشین زبان فرانسه سازند. (اسعدی، ص ۱۲۱).

بربرهای الجزایری که زبان خاصی دارند، بر همان زبان هم سخن می‌گویند. آنها دارای خط و الفبای خاصی نیستند و لیکن به صورت محاوره‌ای به زبانهایی چون زبان «قبایلی‌ها»، زبان طوارق و زبان مزابی صحبت می‌کنند. البته این افراد به عبارتی با زبان عربی و تکلم این زبان مخالفت‌هایی کردند که منجر به

شورش در سال ۱۹۸۲ گردید که با نوشتن نامه‌ای از طرف دانشجویان دانشگاه تیزی اوزو به ساذلی بن جدید (رئیس جمهور سابق) خاتمه یافت. همچنین تفکر غلطی از جمله این که بربرها در اصل از زبان و نژاد رومی نشأت می‌گیرند اصالت این ملت به رومی‌ها بود، در میان این مردم اشاعه یافت. (مجیدی، ص ۱۰) چنان که اشاره شد، زبان آمازیگی پس از یک سال اعتراضات گسترده بربرها در ماه آوریل ۲۰۰۲ به عنوان زبان رسمی و ملی در قانون اساسی کشور الجزایر اضافه گردید.

اهمیت استراتژیک الجزایر در منطقه شمال آفریقا

برای تبیین بیشتر جایگاه کشور الجزایر در منطقه شمال آفریقا، و نقش استراتژیکی آن کشور، باید در دو قسمت مسائل و موضوعات مرتبط با موضوع را مورد بررسی قرار داد. یکی موقعیت مدیترانه و نیز جغرافیای سیاسی الجزایر در آن؛ دیگری استعمارگری فرانسه و اهمیتی که الجزایر برای این کشور داشت. اینک موضوع اول را پیگیری می‌کنیم:

دریای مدیترانه ۳ قاره و دو اقیانوس را به هم پیوند داده و به مثابه یکی از مهم‌ترین دریاهای جهان شناخته می‌شود، علاوه بر تراکم جمعیت و وجود فرهنگ‌ها و نظام‌های مختلف سیاسی - اقتصادی، در حدود ۷۰۰۰ مایل (۱۱/۲۰۰ کیلومتر) سواحل آن، این دریا نظامی‌ترین منطقه دنیاست.

قوای دریایی بیش از ۱۵ کشور، شامل ۳ کشور خارجی روسیه، آمریکا، انگلستان در آن حضوری دائم داشته و دارند. دریای مدیترانه جلوه‌گاه رقابت شرق و غرب، اختلاف اعراب و اسرائیل و تقابل ممالک صنعتی در حال رشد در دو سوی دریاست. همچنین منطقه خاورمیانه سالهای متمادی محل نزاع و کشمکش بسیار بوده است. وجود استعمار فرانسه در آفریقا، انگلیس در کشورهای عربی خلیج فارس و ایران، و زمان حال آمریکا قدرت بلا منازع و جهانخوار حضور جابرانه خویش را به رخ جهان کنونی کشیده و در همه جای جهان حضور دائم دارد. کشور الجزایر به لحاظ وجود منابع نفتی و منابع معدنی، مرکزی بود که کشور استعمارگر فرانسه می‌توانست از آنجا بر جبهه آزادیبخش اریتره، جبهه ملی آزادیبخش چاد اشراف داشته باشد؛ از طرف دیگر، به جهت دستیابی به پایگاه‌هایی برای مقابله با استعمار انگلیس که این کشور نیز در آفریقا و در همسایگی الجزایر مستعمراتی نیز داشته است. (اسعدی، ص ۱۶۹).

تقسیمات استانی و شهری در الجزائر

کشور الجزائر به ۴۸ ولایت (استان) تقسیم می‌گردد و هر ولایت به چند اداره که مجموع آن به ۵۵۳ اداره (منطقه) و هر منطقه به چند شهرداری تقسیم می‌شود که مجموع شهرداری‌های آن به ۱۵۴۱ شهرداری می‌رسد. بر اساس تقسیم‌بندی اداری سال ۱۹۸۳، ۴۸ استان آن در سراسر سرزمین بر حسب جمعیت و ساکنان آن تقسیم شده است.

اعیاد و تعطیلات

تعطیلات هفتگی این کشور پس از استقلال به صورت رسمی و قانونی که در سال ۱۹۷۶ ابلاغ و اعلام گردید، به روزهای پنج‌شنبه و جمعه تغییر یافت.

تعطیلات دینی این کشور ۵ روز است: ۱. اول ماه محرم الحرام (آغاز سال هجری قمری؛ ۲. روز عید قربان (۱۰ ذی الحجه)؛ ۳. روز عید فطر (اول شوال)؛ ۴. روز عاشورا (شهادت حضرت امام حسین ع؛ ۵. روز ولادت پیامبر بزرگوار اسلام ص).

تعطیلات ملی دو روز است: ۱. پنجم جولای، عید استقلال کشور؛ ۲. یکم نوامبر سرآغاز انقلاب آزادیبخش.

البته مناسبت‌های دیگری هم در الجزائر وجود دارد.

استعمار فرانسه در الجزایر

استعمارگران در چند قرن گذشته به نفوذ چشمگیرشان بر مناطق مختلف جهان پرداختند. الجزایر از جمله مناطقی بود که زیر چکمه‌های فرانسوی‌ها بوده و همانند همسایگانش تاخت و تازهای متعددی را به خود دیده است. این جریان تاریخی در عین حال متأثر از ویژگی‌هایی است که تا حدود زیادی ناشی از گسترش این سرزمین است که به هر یک از گروه‌ها اجازه داده تا مدتی طولانی نوعی خود مختاری نسبی را حفظ کنند و بعد از یک دوره مقاومت طولانی به قوانین تازه رسیده گردن نهند.

الجزایر با وسعتی معادل پنج برابر کشور فرانسه در معرض هجوم نیروهای مرکز گریزی قرار داشته است همین امر که استقرار یک حاکمیت مرکزی نیرومند را در این سرزمین به تعویق انداخته است. در طول تاریخ مناطق و قبایل در این سرزمین نقش بسیار مهمی را ایفا کرده‌اند. پیمان‌ها و منازعات این قبایل تابع ترکیب پیچیده‌ای از ملاحظات سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا مالی بوده است، که گاهی آنها را به حاکمیت مرکزی نزدیک و گاهی از آن دور کرده است.

اشغال الجزایر از سوی فرانسه به دلایل سیاسی و اقتصادی و نظامی صورت گرفت، هدف این تفکر که در زمان ناپلئون شکل گرفت، این بود که به جناح راست خود برای حرکت‌های گسترده به سمت اروپا امنیت بخشند.

با این توضیح که: اروپا به برکت انقلاب صنعتی خود هر بار آزمندیش به توسعه‌طلبی و به ویژه استعمارگری فزونی می‌یافت و از امکانات جنگی عظیم هم برخوردار می‌شد و در توانایی کشورهای نیمکره جنوبی زمین نبود که با آن مقابله کنند، فکر عملی اشغال الجزایر از جانب فرانسه به سال ۱۸۲۷ م باز می‌گردد که به دنبال اقدام «ناپلئون بناپارت» برای اشغال جزیره «مالت» قوت گرفت و از سال ۱۸۰۸ م. نهادهای ذی ربط فرانسوی کار تهیه نقشه و پروژه کامل اشغال الجزایر را در اجرای دستورات ناپلئون اول آغاز کردند.

در پنجم ژوئیه ۱۸۳۰ م، الجزایر به اشغال نیروهای نظامی فرانسه درآمد و به دنبال این اشغال مقامات ترک که بر این کشور حکومت می‌کردند و آن را جزو قلمرو عثمانی درآورده بودند از این کشور اخراج شدند.

به علت سرنگونی خاندان «بوریون» و سقوط دولت در فرانسه، طرح واگذاری قسمت‌های دیگر الجزایر، به یک کنگره اروپایی به منظور تصمیم‌گیری در مورد آینده آن منتفی گردید، و چهار سال تصمیم‌گیری به تعویق افتاد. در سال ۱۸۳۴ م. نیز دولت فرانسه به دنبال گزارش یک کمیسیون ویژه، تصمیم به الحاق الجزایر گرفت و برای اجرای این طرح، فرماندار کلی برای این کشور منصوب کرد. در طی ربع قرن بعدی، تاریخ الجزایر در راستای تثبیت استیلای فرانسه بر این کشور و انضمام کامل آن بوده است و این علیرغم مقاومت شدید و مخالفت مردم تحت سلطه صورت گرفت.

«امیر عبدالقادر الجزایری»، یکی از رهبران و مجاهدان برجسته و مسلمان بود که با نیروهای خود، مقاومت جانانه‌ای را به خصوص در نواحی غربی کشور از خود نشان داد. فرانسه پس از آنکه استیلای خود را بر الجزایر کامل نمود، در سال ۱۸۵۷ م. با سرعت هر چه تمام‌تر، در جهت اجرا و تحقق اهداف خود گام برداشت و تلاش نمود این کشور را مستعمره خود و به صورت قسمتی از خاک فرانسه در ساحل شمالی افریقا درآورده و آن را به عنوان پایگاهی به منظور تسلط بر کشورهای اسلامی افریقای و به استثمار کشاندن آنها، قرار داد. در سال ۱۹۰۰ دولت فرانسه به الجزایر خودمختاری اداری و مالی داد که این خود مختاری از طریق هیأتی به نام کارگزاران مالی اعمال می‌شد که دو سوم آن را مستعمره نشینان اروپایی و یک سوم دیگر را، الجزایری‌ها تشکیل می‌دادند.

طی هفتاد سال از ۱۸۳۰ تا ۱۹۰۰ م، مردم مسلمان الجزایر از نظر اقتصادی در تنگنا قرار داشتند و از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز در مراتب بسیار نازلی بودند. (مجیدی، ص ۲۳-۲۴).

مبارزات مردم الجزایر علیه استعمار فرانسه

تحمل استعمارگری فرانسه برای مردم الجزایر بسیار گران تمام می‌شد. مردم چاره‌ای جز مبارزه در پیش روی نداشتند. پیشقدم شدن برخی از شخصیت‌های دینی در جهاد ستودنی است. این مبارزات بعد از جنگ جهانی اول با رهبری علمای مسلمان و دانشجویان و سپس با ورود مردم، شدت فراوانی یافت. نقش علما همچون «شیخ ابراهیمی» و «ابن بادیس» تعیین کننده مبارزه و جهاد بوده است. اما جنگ جهانی دوم اثر منفی بر جهاد ملت مسلمان الجزایر گذاشت. فرانسویان مخفیانه با عناصر محافظه‌کار تماس گرفتند و با هم کنار آمدند. معروف‌ترین این عناصر، «فرصت عباس» بود که «جمیع‌البیان و الحریه» را به منظور ایجاد حکومت خودمختار و فدرالی با فرانسه تأسیس نمود. اما ملت الجزایر به ماهیت آنان پی برد و در سال ۱۹۴۵ تظاهرات گسترده‌ای را ترتیب داد که در آن خواهان استقلال کامل از فرانسه گردید و در طی آن حدود ۱۵ هزار شهید در شهرهای «سسطیف» و «قاعله» به خاک و خون غلطیدند، و در مقابل نیز ۱۰۰ سرباز فرانسوی کشته شدند. و متعاقب آن توقیف «فرحت عباس» و

انحلال «جنبش» و «دوستانان بیانیه آزادی» بسیاری از رهبران ناسیونالیست را متقاعد ساخت که توسل به قوه قهریه را به عنوان تنها راه حصول به هدفشان تلقی کنند. معذالک تلاش‌های برای نیل به راه‌حل رضایت‌طرفین تا مدتی همچنان ادامه یافت. در مارس ۱۹۴۶، فرحت عباس آزاد شد و «اتحادیه دموکراتیک بیانیه الجزایر» را به منظور فراهم آوردن مقدمات و زمینه تشکیل دولت خودمختار و غیرمذهبی الجزایر در چارچوب ممالک متحده فرانسه تأسیس کرد. این اتحادیه علیرغم موفقیت‌هایی که در انتخابات مجلس فرانسه به دست آورد به هیچ یک از اهداف مذکور دست نیافت. لذا در سپتامبر ۱۹۴۶ از مجلس فرانسه خارج شد و در انتخابات بعدی هم شرکت نکرد. (اسعدی، ص ۱۴۴-۱۴۵).

پس از قتل عام مردم منطقه «سطیف» و «کنستانتین» در سال ۱۹۴۵ به دست فرانسویان، در هشتم ماه مه ۱۹۴۵ در حوالی منطقه مذکور، مردم دست به شورش زدند، قوای اشغالگر برای سرکوبی این قیام بیش از ۴۰ هزار نفر را به شهادت رساندند.

تخلّفات و تقلّبات عدیده انتخابات ۱۹۴۸، استراتژی دو حزب معروف الجزایر، یعنی «جبهه دموکراتیک الجزایر» و «جنبش برای پیروزی آزادیهای دموکراتیک» را که بر اساس مبارزه در چارچوب قانون و شرکت در انتخابات مجلس استوار بود، مورد سؤال جدی قرار داد. انتخابات ۱۹۴۸ و نتایج مقتضحانه آن موجب شد که جنبش ضد استعماری مردم الجزایر بیش از پیش رادیکالیزه شود. گروهی از ناسیونالیست‌های جوان عضو «جنبش برای پیروزی آزادیهای دموکراتیک» به منظور فراهم آوردن شرایط و امکانات جهت مبارزه مسلحانه با استعمارگران فرانسوی سازمانی به نام «سازمان ویژه» را بنیاد نهادند، اعضای اصلی و معروف تشکیل دهنده «سازمان ویژه» عبارت بودند از «احمد بن بلا»، «محمد بوضیاف»، «محمد فیفر»، «حسین آیت احمد»، «عبدالحسین بو یوسف». یکی از نخستین اقدامات این سازمان تشکیل یک ارتش کوچک ولی منظم و انسجام یافته ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفری، و نیز برقرار کردن تماس با رهبران جنبش ضد استعماری دانشجویان مسلمان دانشگاه الجزایر بود.

احمد بن بلا، چهره سرشناس و سازمان دهنده اصلی، «سازمان ویژه» بود، اختلافات بین بن بلا و طرفدارانش که طرفدار جنگ مسلحانه برای نابودی استعمار بودند، و «جنبش برای پیروزی آزادی‌های دموکراتیک» به رهبری مصالی (مصالی حاج) که همچون سابق برای کسب استقلال مبارزه پارلمانتاریستی را توصیه می‌کرد، با ایجاد «سازمان ویژه» خاتمه یافت.

در ۱۹۵۱ پلیس استعمارگر فرانسه مبارزه گسترده‌ای را برای متلاشی کردن «سازمان ویژه» آغاز کرد که طی آن دهها عضو فعال این سازمان از جمله «بن بلا» دستگیر و زندانی شدند. در سال ۱۹۵۲ بن بلا موفق شد با کمک دوستانش از زندان فرار کند و به مصر برود.

در سال ۱۹۵۴ چند تن از فعال‌ترین اعضای «سازمان ویژه» از جمله «مصطفی بوالعید» و «بن مهدی» و «کریم بلقاسم» در سوئیس گرد هم جمع شدند و توافق کردند که اختلافات عقیدتی و سیاسی خود را کنار گذاشته، قیامی را سازمان دهند که الجزایر را از زیر سلطه استعمار آزاد سازد. این قیام سرآغاز جنگ مسلحانه هشت ساله بود، در روز اول نوامبر ۱۹۵۴، با عملیات پارتیزانی در سراسر کشور مخصوصاً

در روستاها آغاز شد. قبل از هر عمل، کمیته‌ای به نام «کمیته انقلابی اتحاد و عمل» مرکب از ۲۲ نفر از مبارزان واقعی جهت رهبری موفقیت‌آمیز انقلاب، تشکیل گردید، اعضای اصلی تشکیل دهنده این کمیته عبارت بودند از: حسین آیت احمد، احمد بن بلاد، محمد العربی بن مهیدی، محمد فیفر، کریم بلقاسم، شهیانی بشیر، ملاح رشید، سودانی بوجماعه و رابح بیطاط. (ازغندی، ص ۶۳-۶۵).

رازهای ناگفته شکنجه‌گران فرانسوی در الجزایر

استعمارگری فرانسه در طول بیش از یکصد سال، نه تنها اشغال سرزمین الجزایر را به دنبال داشت، بلکه بر فرزندان این سرزمین انواع شکنجه‌های جسمی و روحی را روا داشتند. خانم مرنیه ازرق یکی از استاید برجسته دانشگاه الجزایر و استاد میهمان دانشکده سوربون، در فرانسه کتابی را منتشر کرده که در آن جزئیات تازه و منتشر نشده‌ای از رفتار نیروهای فرانسوی با زندانیان سیاسی الجزایری در زمان استعمار را بیان می‌کند. این کتاب که «شکنجه و غروب امپراطوری دروغ»^۱ نام دارد، در ۲۳۶ صفحه از سوی انتشارات دانشگاه برنستون و دانشگاه آکسفورد در سال ۲۰۰۸ به قیمت ۲۹/۹۵ دلار، همزمان در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا نشر یافت.

نویسنده معتقد است: ... شکنجه‌ای که فرانسوی‌ها متوجه افراد مقاومت الجزایری می‌کردند، راهی برای جلوگیری از سقوط استعمار فرانسه بر الجزایر و ممانعت از رسیدن به استقلال محسوب می‌شده است. فرانسوی‌ها آن دوران شکنجه علیه مردم مستعمره خود را عملی نابخشودنی حس نمی‌کردند، بلکه بر عکس گمان می‌کردند، رفتاری کاملاً موجه برای جلوگیری از کاسته شدن قدرت سیاسی و کوچکتر شدن نقشه جغرافیایی مستعمراتشان است. (موسوی خلخالی، ۱۳۸۷/۲/۲)

به اعتقاد خانم ازرق قدرت استعمار فرانسه پس از سال ۱۸۷۰ رو به افول نهاد و این موضوع باعث شد تا دولت‌های وقت فرانسه برای جلوگیری از سقوط کشورهای تحت استعمار در جهان می‌پرزداد و در نهایت نتیجه می‌گیرد، مقاومت مردم الجزایر که در روز انقلاب به کشته شدن یک میلیون الجزایری برای رسیدن به استقلال منجر و به جمعه سیاه معروف شد، الگوی بسیار مناسبی برای کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین قرار گرفت.

گاه‌شمار مبارزات و انقلاب‌های مردم الجزایر

۱۸۳۰-۱۸۴۷ م / ۱۲۴۶-۱۲۶۴ ه. ق. قیام شیخ عبدالقادر جزایری، همراه با پدرش محیی‌الدین

حسینی؛

۱۸۴۵-۱۸۴۷ م. / ۱۲۶۲ - ۱۲۶۴ ه. ق. قیام ابو معزه در کوه‌های ظهره؛

1 - TORIURL TWILIGHT of EMPIRE, MARNAL AZRIG.

۱۸۵۲-۱۸۵۴ م. / ۱۲۶۹-۱۲۷۱ ه. ق. قیام محمد بن عبدالله در جنوب، این قیام به مدت ۲۰ سال توسط پسر وی، سیدی سلیمان، ادامه یافت؛

۱۸۵۱-۱۸۵۴ م. / ۱۲۶۸-۱۲۷۱ ه. ق. قیام ابو بغله در منطقه قبائل؛

۱۸۵۷ م. / ۱۲۷۴ ه. ق. قیام لالا فاطمه در منطقه جرجره؛

۱۸۵۹ م. / ۱۲۷۶ ه. ق. قیام بنی سنان در مرز مراکش؛

۱۸۶۳ - ۱۸۶۴ م. / ۱۲۸۰-۱۲۸۱ ه. ق. قیام اولاد و قبایل سیدی شیخ در جنوب؛

۱۸۷۰-۱۸۷۱ م. / ۱۲۸۷-۱۲۸۸ ه. ق. قیام شیخ حداد و مقرانی؛

۱۹۱۶ م. / ۱۳۳۵ ه. ق. قیام اوراس؛

۱۹۴۵ م. / ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ ه. ق. قیام بزرگ منطقه قسطنطنیه که طی آن ۴۵۰۰۰ مسلمان الجزایری کشته شدند، قیام خالد الجزایری، یکی از نوادگان امیر عبدالقادر؛

اول نوامبر ۱۹۵۴ م. / ۵ ربیع الاول ۱۳۷۴ انقلاب الجزایر به طایفه‌داری جبهه آزادیبخش ملی؛

ژوئیه ۱۹۶۲ م. پیروزی و اعلام استقلال الجزائر.

تاریخ استقلال الجزایر

انقلاب الجزائر که تلاش مردمی برای آزادی و رهایی این کشور از سلطه استعمارگران فرانسوی بود در سال ۱۹۵۴ آغاز گردید و پس از هشت سال جهاد و مبارزه در سوم ژوئیه ۱۹۶۲ (۱۲ تیر ۱۳۴۱ ه. ش.) از سلطه ۱۳۲ ساله فرانسوی‌ها رهایی یافته، به استقلال دست یافت و در هشتم اکتبر ۱۹۶۲ به نام «جمهوریه الجزایر الديموکراتیه الشعبیه (جمهوری دموکراتیک مردمی الجزائر)» به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.

از سال ۱۹۵۴ تا روز استقلال یعنی مدت هشت سال، «جبهه آزادیبخش ملی» مبارزه مسلحانه خود را علیه اشغالگران فرانسوی به شدت ادامه داد. ملت الجزائر یک میلیون قربانی داد و در تاریخ کشورهای عرب و شمال آفریقا، الجزایر به عنوان «ارض میلیون شهید» (سرزمین یک میلیون شهید) معروف شد. این تعداد شهدای الجزایر غیر از شهدایی است که الجزایری‌ها به رهبری امیر عبدالقادر در جنگ با ارتش فرانسه در آخر قرن نوزدهم در راه آزادی میهن خویش فدا ساختند.

دو دهه قبل از استقلال یعنی در سال ۱۹۴۳ ژنرال دوگل رهبر دولت در تبعید فرانسه مقرر خود را در شهر الجزیره قرار داد و این شهر تا سال ۱۹۴۴ به عنوان پایتخت موقت دولت فرانسه درآمد. در سال ۱۹۵۹ دوگل به کشورهای الجزایر خودمختاری اعطا کرد لیکن مبارزان به جهاد بی امان خویش برای به دست آوردن استقلال ادامه دادند، تا این که در سال ۱۹۶۲ قرار داد معروف «ادیان» را که متضمن استقلال الجزایر بود به امضاء رسانید، و این کشور با به استقلال رسیدن، دارای حکومت جمهوری گردید و پس از عضویت سازمان ملل به عضویت صندوق بین‌المللی پول درآمد.

گاه‌شمار تحولات سیاسی در الجزایر

- این سرزمین از آغاز تاریخ، مسکن و مأوای بربرها بوده است.
- در حدود قرن دوازدهم قبل از میلاد، فنیقیها آن را به تصرف خود درآوردند و کارتاژها (از حدود قرن هفتم قبل از میلاد) نیز به مدت ۶ قرن بر آن حکمرانی کردند.
- ۱۴۶ قبل از میلاد، رم بر آن تسلط داشت، سپس در سال ۴۲ پیش از میلاد، زیر سیطره حکومت بیزانس (رم شرقی) قرار گرفت.
- قرن هفتم میلادی به تصرف مسلمانان درآمد و سالهای متمادی مسلمانان بر آن حکم راندند. (فاطمیون، و بنی عبدالواد و حفصی‌ها بر آن حکومت کردند).
- قرن شانزدهم میلادی، به وسیله دولت عثمانی اشغال شد.
- سال ۱۸۰۸ میلادی، نهادهای فرانسوی کار تهیه نقشه و پروژه کامل اشغال الجزایر را در اجرای دستورات ناپلئون آغاز کردند.
- سال ۱۸۳۰، فرانسویان به بهانه‌ای سعی کردند تا این کشور مسلمان‌نشین را اشغال کنند.
- سال ۱۹۰۰، تمامی خاک الجزایر تحت سلطه فرانسویان قرار گرفت. دولت فرانسه به الجزایر خودمختاری اداری و مالی داد که این خودمختاری از طریق هیأتی به نام کارگزاران مالی اعمال می‌شد که دو سوم آن را مستعمره نشینان و یک سوم دیگر را الجزایری‌ها تشکیل می‌دادند.
- سال ۱۹۴۳، ژنرال دوگل که گروهی از پارتیزانها را رهبری می‌کرد مقر خود را در شهر الجزیره قرار داد و این شهر تا سال ۱۹۴۴ به عنوان پایتخت موقت فرانسه درآمد بود.
- سال ۱۹۵۴، جنگ‌های پارتیزانی ضد فرانسوی در الجزایر توسط جبهه آزادیبخش ملی و ارتش آزادی‌بخش ملی آغاز شد.
- سال ۱۹۵۵، چتربازان فرانسوی برای فرونشاندن شورش وارد این کشور شدند.
- سال ۱۹۵۸، دولت موقت الجزایر تشکیل شد.
- سال ۱۹۵۹، دوگل به الجزایر خودمختاری اعطا کرد.
- سال ۱۹۶۲، الجزایر به استقلال رسید.
- ۱۹۶۳، بن بلا، به ریاست جمهوری رسید، جنگ بین الجزایر و مراکش درگرفت و سپس آتش بس بین دو کشور اعلام شد.
- سال ۱۹۶۵، زندانی شدن «بن بلا» و ریاست جمهوری «بومدین».
- سال ۱۹۶۷، کودتای نافرجام توسط سرهنگ طاهر زبیری سرکوب شد.
- سال ۱۹۷۶ قانون اساسی جدید این کشور به تصویب رسید، طبق این قانون الجزایر دارای حکومت دمکراتیک خلق با مرام سوسیالیستی شد و جبهه آزادیبخش تنها حزب رسمی کشور شناخته شد.
- سال ۱۹۷۸، شاذلی بن جدید به ریاست جمهوری انتخاب شد.

- سال ۱۹۸۹، طی یک بررسی «شاذلی بن جدید» در مورد سیستم تک‌حزبی و چندحزبی به این نتیجه رسید که مردم به اتفاق آراء خواهان سیستم چند حزبی هستند.

- سال ۱۹۹۰ پیروزی حزب جبهه نجات اسلامی به رهبری عباس مدنی که آراء نخستین انتخابات محلی چند حزبی الجزایر را به خود اختصاص داد.

- سال ۱۹۹۱، عباس مدنی بازداشت شد. اعتصاب عمومی بالا گرفت و در پی آن جبهه نجات اسلامی به پیروزی رسید. در نهایت نیز «شاذلی بن جدید» از قدرت کناره‌گیری می‌کند، رأی‌گیری متوقف و حالت اضطراری برقرار می‌شود.

- سال ۱۹۹۲، جبهه نجات اسلامی راه را برای به وجود آوردن گروه‌های مسلح اسلامی می‌گشاید.

- سال ۱۹۹۵، تشکیل دولت جدید به ریاست «احمد اویحیی».

- سال ۱۹۹۹، به درخواست عبدالعزیز بوتفلیقه ریاست جمهوری جدید فراندومی برای برقراری صلح برگزار شد که نتیجه آن بسیار رضایتبخش بود و در حقیقت هم ریاست جمهوری بوتفلیقه را رسمیت بخشید و هم به این وسیله مردم الجزایر رسماً اعلام کردند که از جنگ و خونریزی خسته شده‌اند. (عزتی، ص ۸۶).

- سال ۲۰۰۴، انتخاب مجدد بوتفلیقه به ریاست جمهوری.

- سال ۲۰۰۹، با تغییر قانون اساسی، برای سومین بار پی‌درپی، بوتفلیقه به ریاست جمهوری انتخاب شد.

نیم‌نگاهی به قانون اساسی الجزایر

با فراز و نشیبی که تاریخ سیاسی - اجتماعی الجزایر طی کرده، بالاخره با اعلام استقلال در سال ۱۹۵۴ زمینه تشکیل حکومتی مستقل و خارج از سیطره مستقیم بیگانگان و استعمارگران به وجود آمد و قانون اساسی آن از سوی متفکران الجزایری تدوین و به تصویب اکثریت مردم رسیده است.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری دموکراتیک مردمی الجزایر، نکاتی در موضوع ویژگی‌های سیاسی - فرهنگی الجزایر و اهمیت قانون اساسی آمده که بخشی از آن، چنین است:

- مردم الجزایر، مردمی آزاده هستند که مصمم به بقای برآزادگی می‌باشند؛

- تاریخ آنها آکنده از مبارزاتی طولانی است که موجب گردید همیشه الجزایر سرزمینی آزاد، با عزت و با کرامت باقی بماند؛

- واقع شدن در قلب حوادثی که دریای مدیترانه در طول تاریخ شاهد آن بوده است، باعث گردید که الجزایر از عهد «نومیدی» دوران فتح اسلام و تا جنگ‌های ضد استعماری، در فرزندانشان خود، روحیه پیشنازی در آزادی، وحدت، پیشرفت، ایجاد دولت‌های دموکراتیک و پیشرو در صلح و بالندگی ایجاد نماید.

- اول نوامبر ۱۹۵۴، نقطه عطفی در مسیر و سرنوشت مقاومت طولانی علیه تجاوز به فرهنگ، ارزش‌ها و اجزای اصلی هویت الجزایر، شامل: اسلام، عربیت و آمازیغی بود. مبارزات کنونی آنها، کاملاً ریشه در گذشته درخشان ملت دارد.

- مردم الجزایر برای دموکراسی و آزادی مبارزه کرده‌اند و به آن ادامه می‌دهند و با این قانون اساسی، مصمم به ایجاد مؤسسات قانونی بر پایه مشارکت تک تک الجزایری‌ها، اعم از مرد و زن در مدیریت امور عمومی، رسیدن به عدالت اجتماعی، برابری و آزادی برای همه، می‌باشند.

- مردم با بهره‌گیری از عزم و اقتدار راسخ خود و حفظ سنتها، همبستگی و عدالت‌خواهی، به توانایی خویش نسبت به مشارکت فعال در پیشرفت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهانی، در عصر کنونی و آینده ایمان دارند.

- الجزایر سرزمینی اسلامی و بخشی جداناپذیر از مغرب بزرگ عربی و سرزمینی عربی، مدیترانه‌ای و آفریقایی می‌باشد که به درخشش انقلاب اول نوامبر خود افتخار می‌کند. این ملت به شخصیتی که به دست آورده مفتخر بوده و به خوبی دریافت که چگونه آنرا با التزام به عدالت جهانی حفظ نماید.

پس از نکات مقدماتی، قانون اساسی الجزایر که دارای چهاربخش است با عناوین بخش‌ها و فصول زیر آغاز می‌گردد:

بخش اول قانون اساسی به «اصول کلی حکومت در جامعه الجزایر» پرداخته شد که پنج فصل (با عناوین، الجزایر، مردم، حکومت، حقوق و آزادی‌ها و وظایف) از ماده یکم تا شصت و نهم را شامل می‌شود.

بخش دوم آن (با عنوان سازماندهی قوا) دارای سه فصل با نام‌های قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه است که ماده هفتادم تا ماده یکصد و پنجاه و هشتم را شامل شود.

بخش سوم آن تحت عنوان نظارت و نهادهای مشورتی است که از دو فصل با همین عنوان تشکیل شده است. ماده یکصد و پنجاه و نهم تا ماده یکصد و هفتاد و سوم به این امر اختصاص یافت.

در بخش چهارم موضوع «بازنگری قانون اساسی» مطرح گردید که شامل ماده یکصد و هفتاد و چهارم تا ماده یکصد و هشتاد و دوم به عنوان آخرین ماده قانون اساسی می‌باشد. با این یادآوری اجمالی، برخی از موارد قانون اساسی الجزایر را از نظر می‌گذرانیم.

ماده ۱- الجزایر، جمهوری دموکراتیک مردمی می‌باشد. این یک واحد تجزیه ناپذیر است.

ماده ۲- اسلام، مذهب حکومت می‌باشد.

ماده ۳- عربی و آمازیغی^۱، زبان ملی و رسمی است.

۱- چنان که قبلاً اشاره شد، زبان آمازیغی پس از یکسال اعتراضات گسترده بربرها در ماه آوریل ۲۰۰۲ به عنوان زبان رسمی و ملی در قانون اساسی کشور الجزایر اضافه گردید.

- ماده ۶ - مردم منشأ هرگونه قدرت هستند. حاکمیت ملی، منحصراً متعلق به مردم می‌باشد.
- ماده ۷ - قدرت تأسیس به مردم تعلق دارد...
- ماده ۸ - مردم مؤسساتی با اهداف ذیل ایجاد می‌کنند:
- پاسداری و تحکیم استقلال ملی.
 - حفظ و تحکیم وحدت و هویت ملی.
 - حمایت از آزادی‌های اساسی شهروندان و پیشرفتهای اجتماعی و فرهنگی ملت.
 - جلوگیری از استثمار انسان، توسط انسانی دیگر.
 - حفاظت اقتصاد ملی از هر گونه سوءاستفاده، اختلاس، انحصارگرایی و یا مصادره غیرمشروع.
- ماده ۱۱ - حکومت، مشروعیت و علت وجودی خود را از اراده مردم می‌گیرد. شعار آن، «توسط مردم و برای مردم» می‌باشد. حکومت، انحصاراً برای خدمت به مردم است.
- ماده ۲۷ - الجزایر با تمام مردمی که برای آزادی سیاسی و اقتصادی خود و حق تعیین سرنوشت خویش در برابر هر گونه تبعیض نژادی مبارزه می‌کنند اعلام همبستگی می‌نماید.
- ماده ۲۸ - الجزایر برای تقویت همکاری‌ها و توسعه روابط دوستانه بین‌المللی، بر اساس اصول برابری، منافع همه جانبه و عدم دخالت در امور داخلی کار می‌کند. الجزایر، اصول، اهداف و منشور ملل متحد را تأیید می‌کند.
- ماده ۲۹ - تمام شهروندان در برابر قانون مساوی هستند. هیچ تبعیضی به خاطر نژاد، محل تولد، جنس، اندیشه و یا هر شرایط شخصی و اجتماعی اعمال نخواهد شد.
- ماده ۳۲ - حقوق بشر و همچنین حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندی تضمین می‌گردد. اینها، میراث مشترک همه الجزایری‌ها، اعم از مرد و زن بوده که وظیفه آنها انتقال از نسلی به نسل دیگر و محافظت از آن می‌باشد.
- ماده ۳۶ - آزادی اندیشه و نظر انسان، غیرقابل تعرض می‌باشد.
- ماده ۴۲ - حق تشکیل احزاب سیاسی، به رسمیت شناخته و تضمین می‌گردد.
- این حق نباید در جهت خدشه‌دار کردن آزادی‌های اساسی، اجزای هویت ملی، وحدت ملی، امنیت و یکپارچگی سرزمین ملی، استقلال کشور، حاکمیت مردم و همچنین ماهیت جمهوری و دموکراتیک بودن حکومت استفاده گردد.
- در سایه احترام به چارچوب این قانون اساسی، احزاب سیاسی نباید بر مبنای مذهبی، زبانی، نژادی، جنسی، شغلی و منطقه‌ای تأسیس شوند...
- هرگونه تبعیت احزاب سیاسی، در هر شکل، از منافع و احزاب خارجی ممنوع است. احزاب سیاسی نمی‌توانند به هیچگونه خشونت یا اجبار روی آورند.
- ماده ۴۵ - همه، بی‌گناه هستند مگر این که روند قضایی خلاف آن را ثابت کند و این براهت توسط قانون تضمین می‌گردد.

ماده ۴۶- هیچ کس گنه کار نیست مگر این که برای فعل او، قبلاً قانونی مبنی بر جرم بودن آن، وجود داشته باشد.

ماده ۶۱- وظیفه هر شهروند، حفاظت و حمایت از استقلال و یکپارچگی سرزمین ملی و نمادهای حکومتی است.

قانون با خیانت، جاسوسی، تبعیت از دشمنان و ارتکاب اعمال ضد امنیت حکومت شدیداً برخورد می کند.

ماده ۷۳- نامزد شایسته ریاست جمهوری باید شرایط زیر را داشته باشد:

- داشتن تنها تابعیت الجزایری الاصل.

- مسلمان بودن.

- داشتن بیش از ۴۰ سال سابقه در روز انتخابات.

- بهره مندی از حقوق سیاسی و مدنی کامل.

- اثبات تابعیت الجزایری همسر خود.

- کاندیدایی که قبل از ۱۹۴۲ به دنیا آمده است، باید شرکت خود را در انقلاب اول نوامبر ۱۹۵۴ ثابت کند.

- کسی که پس از ۱۹۴۲ به دنیا آمده است، باید عدم شرکت والدین خود را در اقدامات ضد انقلاب اول نوامبر ۱۹۵۴ ثابت نماید.

- لیستی از دارایی های شخصی و املاک موجود خود را چه در داخل و چه در خارج، به صورت علنی ارائه دهد.

در ماده ۷۷ صلاحیت ها و اختیارات رئیس جمهور در ۱۰ بند فهرست شده است.

ماده ۹۸- قوه مقننه به وسیله پارلمان که شامل دو مجلس ملی مردمی و مجلس ملت می باشد اجراء می گردد. پارلمان دارای رأی گیری در خصوص رد یا قبول قانون می باشد.

ماده ۱۰۱- اعضای مجلس ملی مردمی، از طریق رأی گیری مستقیم، پنهان و سراسری انتخاب می شوند.

دو سوم اعضای مجلس امت از طریق انتخابات غیرمستقیم و پنهان، از بین و طرف اعضای شوراهای مردمی شهرداری و استانداری برگزیده می شوند.

یک سوم اعضای مجلس امت، به وسیله رئیس جمهور، از میان شخصیت های کشوری شایسته در زمینه های علمی، فرهنگی، حرفه ای، اقتصادی و اجتماعی انتخاب می گردند.

تعداد اعضای مجلس امت نصف حداکثر اعضای مجلس ملی مردمی خواهد بود.

ماده ۱۰۹- مصونیت نمایندگان و اعضای پارلمان در دوره مسئولیت خود، به رسمیت شناخته می شود. آنان را نمی توان به خاطر سخنرانی ها، اظهار نظرها و یا هر عمل دوران نمایندگی، مورد هرگونه بازخواست، محاکمه یا تحت فشار قرار داد.

ماده ۱۱۰- نمی‌توان نماینده مجالس را به خاطر خلاف یا جنایت محاکمه نمود مگر با اعتراف صریح و اجازه اکثریت اعضای دو مجلس مبنی بر سلب مصونیت از وی.
ماده ۱۱۱- در صورت ارتکاب به اعمال شنیع، نماینده مجلس را می‌توان دستگیر نمود. دفاتر دو مجلس باید بلافاصله آگاه گردند.

دفتر مجلس مربوطه می‌تواند درخواست آزادی عضو را ارائه نماید که طبق ماده ۱۱۰ عمل می‌گردد.
لازم به یادآوری است که موارد قانون‌گذاری پارلمان در ماده ۱۲۲ آمده است. حوزه‌های قانونگذاری توسط پارلمان که قانون اساسی بدانها اشاره کرده است ۳۰ مورد است. علاوه بر آن در ماده ۱۲۳ موارد دیگری هم در قانون اساسی آمده که پارلمان به آن اقدام خواهد کرد.
ماده ۱۳۸- قوه قضائیه، مستقل است و در چارچوب قانون عمل می‌کند.
ماده ۱۳۹- قوه قضائیه از جامعه و آزادی‌ها حمایت می‌کند. این قوه، حفظ تمامی حقوق بنیادین همه افراد را تضمین می‌نماید.

ماده ۱۴۰- اساس قضاء بر پایه قانونمندی و مساوات بنا شده است. برای همه، یکسان و قابل دسترسی است، و همراه با احترام به قانون مجسم می‌شود.
ماده ۱۴۷- قضات، تنها از قانون پیروی می‌کنند.
ماده ۱۴۸- قاضی در برابر هر گونه فشار، دخالت یا امری که موجب پیشداوری وی شود یا آزادی عمل وی را خدشه‌دار کند، حمایت می‌شود.
ماده ۱۴۹- قاضی در برابر شورای عالی قضایی و در چارچوب قانون باید نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشد.

ماده ۱۶۴- تعداد اعضای شورای قانون اساسی ۹ نفر به شرح زیر می‌باشد: ۳ نفر توسط رئیس جمهور که رئیس شورا هم از میان آنهاست، ۲ نفر توسط مجلس ملی مردمی، ۲ نفر توسط مجلس است، ۱ نفر توسط دادگاه عالی مالی و ۱ نفر توسط شورای حکومت.
هنگامی که کسی به عنوان عضو شورای قانون اساسی انتخاب یا منصوب گردید، نباید هیچ شغل، مسئولیت یا مأموریت دیگری داشته باشد.

رئیس جمهور، رئیس شورای قانون اساسی را برای یک دوره ۶ ساله منصوب می‌نماید. دیگر اعضای این شورا به مدت ۶ سال انتخاب می‌شوند و هر ۳ سال نیمی از اعضا تغییر می‌کنند.
ماده ۱۷۱- شورایی به نام «شورای عالی اسلامی» برای مشورت دادن به رئیس جمهور در موارد ذیل تشکیل می‌گردد:

- تشویق و توسعه «اجتهاد».

- ارائه نظرات اسلامی، در اموری که به آن محول می‌شود.

ماده ۱۷۲- شورای عالی اسلامی متشکل از ۱۵ عضو، به همراه یک رئیس می‌باشد که از میان شخصیت‌های شایسته و توانا در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی، توسط رئیس جمهور تعیین می‌گردد.

ماده ۱۷۷- اعضای مجالس پارلمان می‌توانند با سه چهارم رأی خود، پیشنهاد بازنگری قانون اساسی را به رئیس جمهور ارائه دهند، که رئیس جمهور می‌تواند آن را به همه‌پرسی بگذارد. در صورت پذیرش در همه‌پرسی پذیرفته گردد، اجرا می‌شود.

ماده ۱۷۸- هرگونه بازنگری قانون نباید در تضاد با موضوعات ذیل باشد:

- ۱- ماهیت جمهوری حکومت؛
- ۲- نظم دموکراسی بنا شده بر اساس نظام چند حزبی؛
- ۳- اسلام به عنوان دین حکومت؛
- ۴- زبان عربی به عنوان زبان رسمی و ملی؛
- ۵- آزادی‌های اساسی، حقوق بشر و حقوق شهروندی؛
- ۶- یکپارچگی و تمامیت سرزمین ملی.

قوه مقننه و انتخابات مجلس در الجزایر

بر اساس ماده ۹۸ قانون اساسی الجزایر، قوه مقننه به وسیله پارلمان که شامل دو مجلس ملی مردمی [مجلس خلق ملی، به عنوان بخش سفلی پارلمان] و مجلس امت [مجلس سنا، به عنوان بخش علیای پارلمان] اجراء می‌گردد.

طبق ماده ۱۰۱ قانون اساسی، اعضای مجلس ملی مردمی، از طریق رأی‌گیری مستقیم، پنهان و سراسری انتخاب می‌شوند.

دو سوم اعضای مجلس امت (سنا) به وسیله رئیس جمهور، از میان شخصیت‌های کشوری شایسته در زمینه‌های علمی، فرهنگی، حرفه‌ای، اقتصادی و اجتماعی انتخاب می‌گردند.

تعداد اعضای مجلس امت نصف حداکثر اعضای مجلس ملی مردمی خواهد بود.

بر اساس ماده ۱۰۲، اعضای مجلس ملی مردمی به مدت ۵ سال انتخاب می‌گردند.

مدت زمان یک دوره نمایندگی مجلس امت، ۶ سال می‌باشد. نیمی از اعضای مجلس امت هر سه سال تغییر می‌کنند.

علاوه بر دو مجلس مذکور که نقش قانونگذاری را دارند، شورای قانون اساسی هم در ارتباط با قوه مقننه فعالیت دارد. این شورا ۹ نماینده دارد که تمام اعضای آن حقوقدان هستند. سه عضو شورا از سوی رئیس جمهوری منصوب می‌شوند که از میان این سه نفر یکی به عنوان رئیس شورای قانون اساسی برگزیده می‌شود.

مدت عادی فعالیت رئیس شورای قانون اساسی ۶ سال است ولی نیمی از نمایندگان را می‌توان پس از سه سال جایگزین کرد.

یکی از اختیارات شورای قانون اساسی نظارت بر انتخابات و قضاوت درباره صحت یا بطلان نتایج آن و دیگری نظارت بر طرح‌ها و لوایح مجلس و دولت و ارتباط با انطباق آن با قانون اساسی می‌باشد.

شورای قانون اساسی همچنین می‌تواند پیشنهاد تغییرات مفادی از قانون اساسی را به ریاست جمهوری ارایه کند و رئیس جمهوری نیز باید برای ایجاد این تغییر آن را به همه‌پرسی عمومی بگذارد. رییس پیشین این شورا شخصیت برجسته حقوقی الجزائر «محمد بجاوی» بود که از اواسط اردیبهشت ماه ۸۵ به مدت بیش از یکسال سمت وزیر خارجه در این کشور را بر عهده گرفت. ریاست کنونی آن بر عهده «بوعلام بسیایح» است.

اعضای مجلس ملی مردمی [خلق ملی] با ۳۸۹ عضو توسط رأی مستقیم مردم معین می‌شوند و مجلس امت [سنا] با ۱۴۴ عضو که یک سوم آن از سوی رئیس جمهوری منصوب و بقیه از طریق شوراهای شهر و استان انتخاب می‌شوند.

مصوبات مجلس ملی مردمی [خلق] پس از تصویب در مجلس امت [سنا] به صورت قانون در می‌آید. هر منطقه با بیش از ۸۰ هزار سکنه می‌تواند نماینده‌ای به مجلس ملی مردمی بفرستد و چنانچه جمعیت منطقه‌ای بیشتر از این رقم باشد می‌تواند دو نماینده مجلس داشته باشد. ولایت‌هایی با جمعیت ۳۵۰ هزار نفر جمعیت می‌توانند چهار نماینده انتخاب کنند.

هشت نماینده ملی مردمی مقیم خارج از خاک الجزایر هستند و به امور الجزایری‌های مقیم خارج رسیدگی می‌کنند.

آخرین انتخابات سراسری مجلس ملی مردمی [خلق] در کشور حدود ۳۴ میلیون نفری الجزایر در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶ برگزار گردید. در این انتخابات که چهارمین انتخابات از نوع خود و سومین انتخابات مجلس در شرایط تعدد احزاب بود بیش از ۱۱ هزار نامزد از ۴۴ حزب و ۱۰۲ لیست آزاد برای دستیابی به بخش بیشتری از ۱۸/۷ میلیون رأی شهروندان و ۳۸۹ کرسی مجلس در صحنه حاضر شدند.

لازم به یادآوری است که کلیه انتخابات در الجزایر تا پایان دهه ۸۰ میلادی در شرایط تک حزبی و یک تازی حزب «جبهه آزادیبخش ملی» (افلان) برگزار می‌شد؛ اما با آغاز تعدد احزاب که به پیروزی چشم‌گیر حزب اسلامی جبهه نجات در سال ۱۹۹۱ و سپس منع آن از فعالیت سیاسی منجر شد، خشونت‌های وسیع این کشور را در بر گرفت که با وجود فروکش کردن در چند سال پیش از سه سال گذشته با ورود القاعده به صحنه و در قالب حملات انتحاری، بار دیگر عرصه سیاسی و اجتماعی الجزایر را به چالش کشیده است.

در چنین فضایی بود که «امید کار و ثبات»، «با هم برای الجزایر فردا»، «انتخاب و سپس محاسبه‌مان کنید»، «پرچم الجزایر رایت ماست»، «دست در دست هم برای آبادانی الجزایر فردا» و «دفاع از حاکمیت ملی» برخی از شعارهای اصلی بود که دست مایه تبلیغات احزاب و دعوت مردم به شرکت در انتخابات قرار گرفت.

برخی احزاب از جمله «حزب نیروهای سوسیالیست» به رهبری «حسین آیت احمد» از رهبران اصلی انقلاب الجزایر که سال‌هاست به صورت اختیاری در ژنو به سر می‌برد مجلس را «فرمایشی» دانسته و

انتخابات را تحریم کرده بودند. تعدادی از رهبران حزب منحل جبهه نجات اسلامی از جمله عباس مدنی و علی بن حاج نیز خواستار تحریم انتخابات شدند.

با پایان شمارش آراء سه حزب ائتلاف حکومتی این کشور باز هم بیشترین کرسی‌ها را به دست آوردند. حزب کهنه کار جبهه آزادیبخش ملی (افلان) به رهبری «عبدالعزیز بلخادم»، نخست وزیر، با ۱۳۶ کرسی، حزب «تجمع ملی دموکراتیک» به رهبری «احمد اویحیی» با ۶۱ کرسی و «جنبش جامعه صلح» به رهبری «ابو جره سلطانی» با ۵۲ کرسی در بالای جدول احزاب راه یافته به مجلس جدید بودند. در حالی که افلان نسبت به دوره قبل با ۳۶ کرسی کمتر با وجود اول شدن، به یک شکست سنگین تن داد، دو حزب دیگر هر کدام با ۱۴ کرسی بیشتر، جایگاه خود را در مجلس تقویت کردند.

جبهه آزادیبخش ملی از زمان استقلال تا آغاز تعداد احزاب در سال ۱۹۸۹، تنها حزب کشور بود و همچنان در کنار ژنرال‌های ارتش قوی‌ترین منبع قدرت در الجزایر به شمار می‌رفت اما طی دو دهه اخیر با روندی از پس رفت در نتایج انتخاباتی مواجه شده است. از سوی دیگر، حزب چپ‌گرای کارگران الجزایر به رهبری خانم «لویزه حنون» نیز موفق شد تعداد کرسی‌های خود را از ۲۱ در مجلس کنونی به ۲۶ برساند. بقیه کرسی‌های مجلس ملی مردمی [خلق] در انتخابات اخیر نیز به نسبت‌های مختلف میان احزاب و تشکل‌هایی که جایگاه سیاسی و اجتماعی چندان مهمی ندارند تقسیم شده است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۶/۱۱/۲۳).

احزاب مهم سیاسی الجزایر

در زمان مستعمره بودن الجزایر، هیچ حزب و گروهی به صورت رسمی و آزادانه نمی‌توانستند در مسائل اساسی و سیاسی کشور فعالیت داشته باشد. اختناق فرانسوی هرگونه حقوق اساسی مردم را از آنان سلب کرده و آنان را از تصمیم‌گیری‌های مهم محروم کرده بود؛ لیکن پس از انجام اصلاحات در قانون اساسی الجزایر در فوریه ۱۹۸۹، جریان‌های فعال اسلامی توانستند در چارچوب قانونی با تأسیس احزاب اسلامی عملاً در روند تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه الجزایر ایفای نقش نمایند؛ چنان که گروه‌های دیگر ملی و غیردینی هم در صحنه‌های سیاسی حاضر شدند و با تشکیل احزاب حضورشان را اعلام داشته‌اند. در این بخش، به دو دسته از احزاب مهم الجزیره به اختصار اشاره می‌شود:

دسته اول، احزاب اسلامی

۱/۱- جبهه نجات اسلامی (FIS)

این جبهه در پی ائتلاف ۳۰۰ سازمان اسلامی، خیریه و فرهنگی پس از گردهمایی رهبران این گروه‌ها در مسجد «السنه بالعود» عملاً پا به عرصه صحنه سیاسی الجزایر گذاشت. به طور کلی چهار جناح عمده و متمایز در این جبهه حضور فکری دارند که ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

۱- گروهی که اسلام را هویت واقعی ملت الجزایر دانسته و اسلام را تنها راه برچیدن استعمار می‌دانند. این گروه از پیروان فکری امیر عبدالقادر جزائری هستند.

۲- گروه اخوان المسلمین که متأثر از مریبان اخوان المسلمین مصر بوده و خواستار ایجاد جامعه اسلامی از طریق تبلیغ و موعظه هستند.

۳- جناح تندرو اسلامی که خواستار اجرای اسلام راستین در جامعه الجزایر بوده و در این راه کاربرد زور و خشونت را مجاز می‌دانند. رهبر این گروه «بویعلی مصطفی» بود که در درگیری‌های مسلحانه سال ۱۹۸۷ به قتل رسید. رهبر فعلی این جناح عبدالقادر المغنی و علی بلجاج هستند.

۴- گروه وابسته به مدیران، تکنسین‌ها و کارفرمایان و برخی اعضای جنبش‌های چپگرا. رهبر این جناح عبدالقادر حشانی که خود مهندس پتروشیمی است، می‌باشد.

جبهه نجات اسلامی با رهبری عباس مدنی در اولین انتخابات آزاد الجزایر که در دسامبر ۱۹۹۱ برگزار گردید، شرکت نمود. این جبهه در اولین دور انتخابات پارلمانی ۱۸۸ کرسی از مجموعه ۳۳۱ کرسی پارلمان به خود اختصاص داد.

جبهه نجات اسلامی مصمم بود در دومین دور انتخابات پارلمانی که قرار بود در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۲ برگزار شود، برای تعیین تکلیف ۱۹۹ کرسی باقیمانده شرکت نماید. با قطعیت یافتن پیروزی طرفداران این جبهه در انتخابات، ارتش انتخابات پارلمانی الجزایر را ملغی کرد. پس از استعفای بن جدید و تشکیل شورای عالی حکومتی الجزایر، جبهه نجات اسلامی در ۴ مارس ۱۹۹۲ غیرقانونی اعلام گردید. و در پی آن با درگیری‌ها و تشنجات ایجاد شده، و کشته و مجروح شدن بیش از یکصد هزار تن، جبهه نجات اسلامی نتوانست در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۷ الجزایر شرکت کند.

۱/۲- حزب اسلامی النهضه

این حزب به رهبری لحیب آدمی، از طرفداران تشکیل حکومت اسلامی و از نظر فکری متأثر از اخوان المسلمین مصر است. حزب النهضه در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۷، ۳۴ کرسی را در اختیار داشت که در انتخابات می ۲۰۰۲ تنها یک کرسی به دست آورد.

۱/۳- حزب جنبش اصلاح ملی

یکی از سران حزب النهضه، به نام عبدالله جاب الله که قصد داشت در انتخابات ریاست جمهوری این کشور شرکت کند و با مخالفت اکثریت اعضای حزب روبه‌رو شده بود، پس از کنارگیری از حزب به همراه طرفدارانش، حزب جدید «جنبش اصلاح ملی» را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری الجزایر در سال ۱۹۹۹ را بنیانگذاری کرد. گرچه جاب الله با حمایت قرار گرفتن از سوی اعضای حزب جدید برای نامزدی ریاست جمهوری، نتوانست رأی لازم را کسب کند، لیکن این حزب توانست در انتخابات می ۲۰۰۲، ۲۰۰۲، ۴۰۰، ۳۰۰ کرسی به دست آورد.

۱/۴- حکومت جامعه صلح آمیز (حمس) MSP

محفوظ نحناح، رهبری این حزب را به عهده دارد. این حزب خواستار آزادی رهبران جبهه نجات اسلامی، انجام اصلاحات در ارتش، حمایت از روند خصوصی سازی در اقتصاد کشور و اعطای امتیازاتی به قبایلی ها و به رسمیت شناختن زبان آمازیگی و حفظ یکپارچگی کشور است. این حزب در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۷، ۶۹ کرسی پارلمان را به خود اختصاص داده بود ولی در انتخابات می ۲۰۰۲ تعداد کرسی‌های این حزب به ۳۸ کاهش یافت.

دسته دوم، احزاب ملی

علاوه بر احزاب اسلامی، گروه‌های دیگر وطنی و ملی به نقش مؤثر در ساختار سیاسی الجزایر پس از استقلال این کشور پرداختند. برخی از این دسته احزاب عبارتند از:

۲/۱. جبهه آزادیبخش ملی (FLN)

نقش مهم حزب آزادیبخش ملی که طلیعه‌دار انقلاب الجزایر بود تا سال ۱۹۸۸ به عنوان تنها حزب سیاسی الجزایر فراموش ناشدنی است. شاذلی بن جدید رئیس جمهور وقت پس از ناآرامی‌های این سال، با ایجاد اصلاحاتی در قانون اساسی الجزایر امکان تشکیل احزاب سیاسی رقیب را فراهم آورد. جبهه آزادیبخش ملی پس از این دوره به تدریج جایگاه خود را به عنوان حزب حاکم از دست داد. این حزب در انتخابات پارلمانی و شهرداری‌ها که در سال ۱۹۹۱ در الجزایر برگزار گردید، شکست سختی را در برابر حزب نوحاسته نجات اسلامی متحمل شد. پس از کودتای ارتش این حزب به طور عملی در حاشیه قدرت قرار گرفت. پس از به قدرت رسیدن بوتفلیقه در سال ۱۹۹۹ و انتخاب علی بن فلیس به عنوان رهبر این حزب، جایگاه آسیب دیده جبهه آزادیبخش ملی تقویت گردید. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۷ این حزب جایگاه سوم را پس از دو حزب RND و حزب جامعه صلح آمیز (حمس) احراز نموده بود ولی در انتخابات می ۲۰۰۲ با کسب ۱۹۹ کرسی به اکثریت مطلق رسید.

۲/۲. تجمع دمکراتیک ملی (RND)

رهبر این حزب احمد او یحیی است. این حزب ملی و متمایل به گرایشات سکولار و غیرمذهبی است و در همین راستا با انجام گفت‌وگوهای سیاسی میان جبهه آزادیبخش ملی و جبهه نجات اسلامی مخالف است. این حزب در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۷ بیشترین کرسی‌ها را (۱۵۶ کرسی) به خود اختصاص داد، اکثریت را در پارلمان الجزایر در اختیار گرفته بود ولی در انتخابات می ۲۰۰۲ دچار شکست سختی شده و تعداد کرسی‌های این حزب به ۴۸ کاهش یافت.

دسته سوم، احزاب لائیک

در میان احزاب مختلف الجزایر، گروه‌هایی با اعتقاد به جدایی دین از سیاست در کنار احزاب چپ‌گرا و ضد مذهبی، به فعالیت سیاسی می‌پردازند. مهم‌ترین احزاب لائیک الجزایر عبارتند از:

۳/۱. حزب جبهه نیروهای سوسیالیستی (FFS)

این حزب توسط آیت احمد در سال ۱۹۶۳ تأسیس شد. وی که رهبری این حزب را بر عهده داشت به دلیل دست داشتن در شورش علیه حکومت بن بلا به مرگ محکوم شد اما با توجه به محبوبیت و شهرت وی در میان مردم و طیف سیاسی الجزایر حکم اعدام وی به حالت تعلیق درآمد. این حزب مخالف قدرت یافتن احزاب اسلامی در الجزایر است و بخشی از فعالیتش در این راستا صورت می‌گیرد.

۳/۲. حزب تجمع برای فرهنگ و دموکراسی (RCD)

رهبری این حزب بر عهده سعید سعدی با گرایش قومی بربر و لیبرال می‌باشد. حزب تجمع با طرح آشتی ملی بوتفلیقه که بر اساس آن شاخه نظامی ارتش نجات اسلامی (AIS) مورد عفو قرار گرفت، مخالفت نمود. این حزب از حقوق بربرها به ویژه به رسمیت شناخته شدن زبان آمازیغی حمایت می‌کند و مخالف سرکوب جنبش قبایلی است.

۳/۳. حزب کارگران

خانم لویزه حنون رهبری حزب کارگران الجزایر را بر عهده دارد. این حزب دارای گرایش کمونیستی تروریستی می‌باشد و خواستار توقف خصوصی‌سازی اقتصاد، اصلاح ساختار ارتش و اعطای امتیاز به قبایلی‌ها و آزادی رهبران جبهه نجات اسلامی می‌باشد.

کتابخانه‌های الجزایر

۱. تاریخچه اسناد مکتوب

الجزایر برای هر دوره تاریخی، از گذشته‌های دور تا عصر حاضر، دارای اسناد مکتوب گوناگونی است. بر صخره‌های کوهستان تا سیلی و کوهستان اطلس صحرا نقوشی تصویر شده است و این کنده‌کاری‌های صخره‌ای شاهدهی بر زندگی و فرهنگ نخستین ساکنان این سرزمین است. بعدها کارتاژها و قبایل پیام‌های مکتوبی را در سراسر این منطقه که محل زندگی‌شان بود بر جای گذاشتند. این کتیبه‌ها برای محققان منابع ارزشمندی محسوب می‌شوند. حتی رومیان که از قرن دوم پیش از میلاد تا قرن پنجم میلادی الجزایر را جزو مستعمرات خود داشتند، از صخره برای نگارش استفاده می‌کردند. خرابه‌های شهرهای رومیان مانند: جمیلا، یتمگاد، وتیبازا هنوز حاوی کتیبه‌های فراوانی است.

شاید بی‌نظیرترین مدارک، لوحه‌های آلبرتینی مربوط به معاملات شخصی متعلق به دوران حکومت وندال (۴۲۹-۵۳۳ م.) در الجزایر باشد. بر روی این الواح که از چوب سدر ساخته شده، خط شکسته لاتینی به چشم می‌خورد که با قلم نوک تیز، آغشته به مرکب تهیه شده از کربوب خشک، نگاشته شده است. در سال ۱۹۲۸، چهل و پنج لوح از این الواح، که شامل سی و چهار سند می‌شد، در کوه سفالی ممهوری در منطقه تبس کشف گردید.

در سال ۶۸۲ م.، پس از استیلای اعراب بر الجزایر، به طور مسلم کاغذ مهم‌ترین ماده نوشتاری مورد استفاده بوده، اما در موارد نادری از پوست نیز استفاده می‌شده است.

در قرن یازدهم میلادی، هنگامی که دو سلسله المرابطون و سپس الموحدون در شمال آفریقا به حکومت رسیدند، هنر و علم به اوج خود رسید. پادشاهان بزرگی چون ابن تومرت و عبدالؤمن صاحب بزرگترین کتابخانه‌های شخصی بودند. چندین سال بعد، ابن خلدون (۷۴۳-۹۲۷ ه.ق.) مشهورترین مورخ مسلمان که به سبب نگارش کتاب مقدمه شهرت یافت، طی سالیان متمادی که در الجزایر زیست، صاحب کتابخانه‌ای بزرگ بود. امیر عبدالقادر (۱۲۲۹-۱۳۰۴ ه.ق.) سیاستمداری که هفده سال علیه فرانسویان مبارزه کرد، کتابخانه شخصی قابل توجهی داشت. از زمان تأسیس این دو سلسله در الجزایر، مساجد و مدارس وظیفه اداره کتابخانه‌ها را بر عهده داشته‌اند. بنابراین، تازمانی که فرانسه الجزایر را مستعمره خود کرد و کتابخانه‌هایی به سبک جدید در این کشور به وجود آورد، مساجد و مدارس حافظان واقعی نسخ خطی در طی قرون متمادی بودند.

۲. کتابخانه ملی

کتابخانه ملی الجزایر (National Library of Algeria) که در سال ۱۸۳۵ به ابتکار نایب غیرنظامی سلطان الجزیره، جنتی دوبوسی (Genyt de bussy) تأسیس شد، از سال ۱۹۸۲ به عنوان مؤسسه‌ای عمومی تحت نظارت وزارت فرهنگ این کشور قرار گرفت. کتابخانه ملی قدیمی‌ترین مؤسسه فرهنگی الجزایر به شمار می‌رود. نخستین محل این مؤسسه، ساختمانی با مالکیت دولتی بود. پس از آن در سال ۱۸۳۸ به پادگان پیاده نظام نقل مکان کرد و پس از چند جابه‌جایی در سال ۱۸۶۳ در قصر دای مصطفی پاشا (فرمانده پیاده نظام) الجزیره مستقر شد. در حال حاضر کتابخانه ملی در ساختمانی که در سال ۱۹۵۸ اختصاصاً برای آن ساخته شد، مستقر است.

چهار مدیر اولیه کتابخانه ملی افرادی استثنایی بودند. آدرین بربروگر (Adrien Berbrugger) که از سال ۱۹۳۵ تا سال ۱۸۶۹ در کتابخانه انجام وظیفه کرد، چندین کتاب از جمله «الجزایر تاریخی، زیبا و ماندگار» (L'algerie Historique pittoresque et Monumentale) را به رشته تحریر درآورد. وی همچنین سرپرستی «مجله آفریقایی» Revue Africaine و انجمن تاریخی الجزایر (Algerian Historical Society) را بر عهده داشت.

اسکار مک کارتی که از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۸۹۰ این مسئولیت را داشت جغرافیادانی محقق بود.

شارل دوفوکو (Charles de foucauld) محقق و مبلغ مذهبی (۱۸۵۸-۱۹۱۶)، توانست گروه اعزامی مراکش مک کارتی را روانه کند. امیل موباس (Emile Maupas) که از سال ۱۸۹۰ تا سال ۱۹۱۶ مدیریت کتابخانه را بر عهده داشت زیست‌شناسی بود که به واسطه مطالعه درباره جنسیت گروهی از جانوران میکروسکوپی، در اروپا شهرت داشت. و بالاخره گابریل اسکوتر، که در سال‌های (۱۹۱۶-۱۹۴۸) عهده دار این سمت بود، به واسطه مطالعه آثارش در مورد تاریخ الجزایر شهرت داشت.

گرچه مطالب گردآوری شده در این کتابخانه همه زمینه‌های را در بر می‌گیرد، موضوع‌های علوم انسانی بیشتر به چشم می‌خورد. دو مجموعه اهدایی قابل توجه به کتابخانه‌های شخصی استفان گسل (Stephane Gsell)، باستان‌شناس (۱۸۶۴-۱۹۳۲) و پیر سوورگنان دوبرازا (Pierre Sovorgnan de Brazza)، محقق افریقایی (۱۸۵۲-۱۹۰۵) تعلق دارد.

کتابخانه ملی مجموعه نفیسی بالغ بر ۷۰,۰۰۰ جلد درباره الجزایر، مراکش و تونس دارد که به «مجموعه مغرب» (Maghreb Collection) معروف است. در دهه ۱۹۵۰، دست نوشته‌های مربوط به تاریخ الجزیره در قرون هفدهم و هجدهم در حراج کتابخانه‌های شخصی خریداری شد. کتاب‌های چاپی مجموعه مغرب شامل آثار قرون هفدهم، هجدهم و نوزدهم است که به دوره تاریخی پیش از سال ۱۸۳۰، یعنی زمانی که الجزایر مستعمره فرانسه شد، باز می‌گردد.

منابع پس از سال‌های ۱۸۳۰ یکجا گردآوری شد که شامل آثار منحصر به فردی چون «تصویری از موقعیت مؤسسات فرانسوی در الجزایر در سال‌های ۱۸۳۸-۱۸۶۸، کتاب ۳۲ جلدی «اکتشاف علمی الجزایر مربوط به سال‌های ۱۸۴۴-۱۸۵۴، و مجلاتی چون «تصویر الجزایر» و الاکبر است. در زمان استقلال الجزایر به سال ۱۹۶۲، کتابخانه ملی این کشور این مجموعه مستند عظیم را در نبرد آزادیبخش ملی ۱۹۵۴-۱۹۶۲ یکجا در اختیار گرفت.

کتابخانه ملی مجموعه‌ای بالغ بر ۲۵۰۰۰ جلد کتاب و تالاری به گنجایش ۴۵۰ نفر دارد و دارای ۳۵۰۰ نسخه خطی است که بیشتر آنها نسخ عربی در رشته‌های مختلفی چون الهیات، حقوق، صرف و نحو زبان عربی، شعر، تاریخ، جغرافیا، طب، فلسفه و اخترشناسی است. این نسخ خطی به لحاظ دوره تاریخی منحصر به فرد و تصاویرشان دارای ارزش فراوان است. به طور مثال، نسخه نفیس الموطأ مجموعه‌ای از پنندهای اخلاقی که در سال ۶۱۵ ق. توسط الموحد ابو یوسف یعقوب تألیف شد و یا قرآن نسخه هشت ضلعی کوچک، با حاشیه آبی و طلایی توسط یک ایرانی به نام عماد بن ابراهیم در سال ۱۰۲۸ ق. نوشته شده جزء این مجموعه نفیس است. در سال ۱۹۵۸، کتابخانه ملی مجموعه‌ای مشتمل بر ۴۰۰,۰۰۰ جلد کتاب و ۱۲۰۰ نشریه جاری داشت. در سال ۱۹۶۶ این مجموعه به ۶۰۰,۰۰۰ جلد و در سال ۱۹۷۶ به ۷۰۰,۰۰۰ جلد افزایش یافت.

بیشتر آثار این مجموعه به زبان فرانسوی است. علاوه بر این، ۱۵۰,۰۰۰ اثر به زبان عربی و ۱۵۰۴ مجله به زبان‌های گوناگون در این مجموعه به چشم می‌خورد.

در سال ۱۹۸۱، مجموعه کتابخانه ملی بالغ بر ۸۵۰,۷۶۵ جلد کتاب به زبان‌های خارجی، ۷۳۹,۱۸۱ جلد کتاب عربی، ۲۰۰۰ حلقه میکروفیلم، ۴۲۵۰ صفحه صوتی، ۳۶۰ نقشه، ۲۰۰۰ نشریه اداری بود که ۹۸۰ عنوان آنها جاری است. این کتابخانه ۵۸۶۸ عضو را تحت پوشش دارد. تا سال ۱۹۸۶، کل منابع کتابخانه به ۱۰۴۰,۰۰۰ (در ۳۸۱۸,۰۰۰ مترمربع) با ۱۳۹۷۰ عضو رسیده بود. کتابخانه ملی، به عنوان وارث منابع مکتوب «کتابشناسی الجزایر» (Bibliographie de l'Algérie) را منتشر می‌کند. این کتاب که به ثبت کتاب‌های دریافتی از طریق واسپاری قانونی می‌پردازد سالی دوبار منتشر می‌شود. این کتابخانه کتابشناسی‌های تخصصی را نیز چاپ می‌کند. کتابخانه ملی در سطح گسترده‌ای در خدمات مبادله شرکت جسته و در زمینه امانت بین کتابخانه‌ها نیز فعالیت دارد.

علاوه بر کتابخانه ملی، کتابخانه‌های دانشگاهی چندی وجود دارد که مهم‌ترین آنها کتابخانه دانشگاه الجزایر است که تا سال ۱۹۸۲ مجموعه آن به ۶۴۱۸۰۰ جلد رسیده است. و نیز کتابخانه‌های عمومی دیگر وجود دارد که تنها در شهر الجزیره دوازده کتابخانه شهری از این دست است که تا سال ۱۹۸۲ تعداد کتابهایش به ۸۰۱۰۰ جلد افزایش یافته است. (فاین من، نیلز مک، ترجمه شریفی، دایره المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، الجزایر).

روابط جمهوری اسلامی ایران و الجزایر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط دو کشور از وضعیت خوبی برخوردار بود و سفرهای متعددی از جانب مسئولان بلند پایه ایران و الجزایر به کشور مقابل صورت گرفت. اما شرایط خاصی که از سال ۱۳۶۹ بر الجزایر حاکم گردید و بالاخره به دنبال اتهام دولت الجزایر به جمهوری اسلامی ایران در خصوص حمایت از اسلام‌گرایان و دخالت در امور داخلی آن کشور روابط فیما بین از سال ۱۳۷۲ به طور یکجانبه از سوی دولت الجزایر قطع گردید.

از سال ۱۳۷۶ با وقوع بعضی تغییرات در ایران و الجزایر تبلیغات خصمانه دو کشور علیه یکدیگر به خصوص پس از برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران کاهش یافت. با روی کار آمدن عبدالعزیز بوتفلیقه در الجزایر (۱۹۹۹)، وی با اعزام نمایندگان ویژه خود در اجلاس منطقه‌ای و بین‌المللی به تهران تمایل خویش را نسبت به بهبود روابط با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد.

تحرك الجزایری‌ها برای بهبود روابط خویش با ایران از هیئت‌های فوق‌الذکر نیز فراتر رفته و عبدالقادر بن صالح رئیس مجلس الجزایر با درخواست رئیس جمهور آن کشور برای شرکت در اجلاس فوق‌العاده اتحادیه بین‌المجالس به همراه رؤسای کمیسیون‌های سیاست خارجی و امور اجتماعی مجلس به تهران عزیمت نمود و در حاشیه اجلاس مذکور علاوه بر دیدار با رئیس جمهور با رئیس مجلس وقت و وزیر خارجه وقت (ایران نیز دیدار کرده و دو طرف اظهارات مثبتی در خصوص روابط دو کشور عنوان نمودند.

مقامات الجزایری نه تنها از تبلیغات خصمانه علیه ایران دست برداشته و هیئت‌هایی را به ایران گسیل داشته‌اند بلکه در یک اقدام عملی مثبت، رأی خود در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را از مثبت به

ممتنع تغییر داده‌اند. تا این که سرانجام، بوتفلیقه ابراز تمایل نمود در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل با رئیس جمهوری ایران ملاقات نماید. لذا پس از تعیین ملاقات، رؤسای دو کشور روز جمعه ۷۹/۶/۱۸ در حاشیه اجلاس هزاره سازمان ملل با یکدیگر دیدار نموده و در پایان با تأکید بر منافع و دیدگاه‌های مشترک در توسعه و پیشرفت دو ملت با انتشار یک بیانیه مطبوعاتی، از سرگیری روابط کامل سیاسی خود را در سطح سفیر اعلام کردند. در زمستان ۷۹ سفارت‌های دو کشور بازگشایی گردید و پس از آن هیئت‌های متعددی میان دو کشور مبادله شد. (مجیدی، ص ۱۴۹-۱۵۰).

ایران - الجزایر؛ تبلور انسجام اسلامی

گرچه پیش و پس از انقلاب اسلامی، در روابط الجزایر و ایران، فراز و نشیب‌هایی ایجاد شده است. لیکن در سال‌های اخیر با سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران آقای دکتر محمود احمدی نژاد در رأس هیأتی بلندپایه به الجزایر (۱۵ مرداد ۱۳۸۶)، اولویت روابط در سطوح منطقه‌ای و جهانی مطرح گردیده است. الجزایر هم از این منظر مستعد توسعه مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با ایران می‌باشد. پیوندهای فرهنگی، دینی بین دو ملت ایران و الجزایر، دو کشور را به سوی توسعه و ارتقای روابط ترغیب می‌کند.

مردم مسلمان الجزایر سالها برای کسب استقلال خویش با استعمار فرانسه مبارزه کردند و در این راه یک میلیون و نیم شهید تقدیم آرمان‌های خویش نمودند تا شاهد عدم وابستگی باشند. این ویژگی، بسترهای همگرایی بین دو ملت را از جایگاه معقول و حایز اهمیتی برخوردار می‌نماید.

جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه بر مبارزات دوران انقلاب، ۸ سال با رژیم متجاوز بعث عراق مبارزه کرد و سربلندی خویش را به بهای تقدیم شهدا به دست آورد. در پیشینه تاریخی هر دو کشور مسلمان، روحیه استکبار ستیزی ثبت و ضبط می‌باشد، چنان که امروزه این ویژگی می‌تواند الگویی برای دیگر مسلمانان جهت برون رفت از بن‌بست‌های موجود باشد.

اگر روابط الجزایر با ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی مورد امعان نظر قرار گیرد، اهمیت تعامل‌های دو کشور بیشتر تبیین می‌گردد. سفارت این کشور پس از قطع روابط سیاسی ایران و آمریکا به عنوان حافظ منافع کشورمان در نظر گرفته شد و اقدام‌های میانجیگرانه کشور مذکور برای حل و فصل مسایل مربوط به گروگان‌ها که بر اساس بیانیه الجزایر به آزادی آنها منجر گردید، از فرازهای روابط دو کشور می‌باشد.

پس از شهریور ۱۳۶۶ به دنبال حوادث مکه (حج خونین روز ششم ذی الحجه) که در آن حدود ۴۰۰ نفر از زائران ایرانی به شهادت رسیدند، وزیر امور خارجه وقت الجزایر آقای احمد طالب طی دیداری با همتای ایرانی خود در تهران، از حوادث مکه ابراز تأسف نمود و بر پشتیبانی کشورش از انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد.

اما آنچه افزون بر سیر ارتباط‌های مقبول و قابل دفاع دو کشور طرفین را به گسترش همکاری‌ها تشویق می‌کند، همسویی در دیدگاه‌ها نسبت به مسایل منطقه‌ای و جهانی است.

در سال‌های اخیر، موضوع هسته‌ای ایران به دلیل عدم رعایت موازین حقوقی و فنی از سوی صاحبان قدرت، با عینک امنیتی مورد آنالیز قرار گرفته است تا از این منظر به نتیجه دلخواهشان دست پیدا کنند، ولی کشورهای مستقل و واحدهای سیاسی غیروابسته به بلوک قدرت، از برنامه هسته‌ای ایران دفاع کرده‌اند. الجزایر از کشورهایی است که همواره از فعالیت‌های صلح‌آمیز جمهوری اسلامی در چارچوب ان‌پی.تی حمایت می‌کند.

شایان ذکر است، اظهارهای مقام‌های سیاسی دو کشور در خصوص پدیده تروریسم، بر همگرایی دیدگاه‌ها می‌افزاید، این دو کشور پدیده مذکور را محکوم نموده و از دیگر کشورها برای برخورد با این موضوع بر اساس موازین حقوقی سازمان ملل دعوت می‌نماید.

سطح روابط اقتصادی دو کشور نیز موضوع دیگری است که برای تعمیق و ارتقای آن با توجه به ظرفیت‌های موجود طرفین، تأکید می‌شود. امروزه روابط کشورها ترکیبی از مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است؛ یعنی نگاه اقتصادی، متغیر تابعی از مؤلفه سیاسی است که بر اساس سردی یا گرمی روابط سیاسی، سطح تعامل اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. الجزایر یک برنامه ۱۵۰ میلیارد دلاری برای توسعه اقتصادی و صنعتی خود پیش‌بینی کرده است که این امر زمینه مساعدی را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران ایران فراهم می‌کند.

بدین ترتیب، همه مؤلفه‌های تأثیرگذار جهت توسعه روابط دو کشور بر مبنای منافع ملی و اسلامی طرفین، از درجه اهمیت قابل‌اعتنایی برخوردار است.

پهنه جهان اسلام با توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، سیاستمداران این کشورها را به ارتقای سطح مناسبات با اهتمام به منافع ملی در ظرف ایدئولوژی اسلامی تشویق می‌نماید که از این منظر می‌توان روابط شایسته و بایسته‌ای را در میان واحدهای سیاسی جهان اسلام شاهد بود.

جمهوری اسلامی که روابط خارجی خود را بر مبنای اصول سه‌گانه «عزت، حکمت و مصلحت» پایه‌گذاری نموده است؛ می‌کوشد ضمن احترام به حقوق دیگر کشورها، تعامل‌های سیاست خارجی خود را در حوزه منافع متقابل تعریف نماید تا از این رهگذر شاهد شکل‌گیری روابط مؤثر دو جانبه و چند جانبه با کشورهای اسلامی باشد. (قلندریان، روزنامه قدس، ۱۵ مرداد ۱۳۸۶).

بدیهی است با توجه به تهدیدها و فتنه‌های عناصر فرامنطقه‌ای، باید از همه توان استفاده کرد تا انسجام میان کشورهای اسلامی به حد مطلوبی برسد و دشمنان مأیوس و ناامید گردند.

منابع و مآخذ

۱. ازغندی، علیرضا، *انقلاب الجزایر*، شرکت ملی انتشار بهار، ۱۳۶۵.
۲. اسعدی، مرتضی، *جهان اسلام*، الجزایر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، جلد اول، ۱۳۶۶.

۳. حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بی تا، بی جا.
۴. عزتی، (مقاله)، *ژئوپلیتیک جهان اسلام*، مجله مطالعات آفریقا، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
۵. فاین من، چارلزاس، و نیلز مک ماری، (ترجمه فارسی از:) شهرزاد شریفی، *کتابخانه های الجزایر*، دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. <http://Portal.nlai.ir>
۶. مجیدی سورکی، علی، *الجزایر* (مباحث کشورها و سازمان های بین المللی، ۶۱) مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.
۷. موسوی خلخالی، علی، *دیپلماسی ایرانی*، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۷، aftab.ir
۸. ویکیبیدیا، *الموسوعه الحرّه*، الجزائر.

